

## روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در منتخبی از کشورهای آسیا و اقیانوسیه، با تأکید بر ایران، طی چهار دهه گذشته (۱۹۷۰-۲۰۱۰)

فریده خلیج‌آبادی فراهانی<sup>۱</sup>

شهلا کاظمی‌پور<sup>۲</sup>

علی رحیمی<sup>۳</sup>

هدف این بررسی، مطالعه روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در منتخبی از کشورهای آسیا و اقیانوسیه با تأکید بر ایران طی چهار دهه گذشته (۱۹۷۰-۲۰۱۰) می‌باشد. بر اساس برخی معیارها، تعداد ۱۰ کشور از منطقه آسیا و اقیانوسیه، که شامل ایران نیز می‌گردند، انتخاب و از اطلاعات شاخص‌های ازدواج آنها در بخش جمعیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ میلادی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد در کل، سه الگو در منطقه وجود دارد: مشخصه الگوی اول، تغییرات سریع، شتابزده و افزایشی چشمگیر در سن ازدواج و مجرد قطعی است (مانند استرالیا و ژاپن). مشخصه الگوی

---

۱. استادیار مطالعات جمعیتی و بهداشت باروری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه f.farahani@psri.ac.ir

۲. دانشیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه s.kazemipour@psri.ac.ir

۳. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه a.rahimi@psri.ac.ir

دوم، روند افزایشی و گاه کاهشی در میانگین سن ازدواج و شروع تغییرات افزایشی مجرد قطعی است (مانند ایران، تایلند، مالزی، آذربایجان و نیوزلند). مشخصه الگوی سوم، شیب بسیار ملایم افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی بسیار پایین می‌باشد (مانند چین، هند و تاجیکستان). تنوع عوامل توسعه‌ای، ارزشی، فرهنگی و قومی مربوط به ازدواج در کشورهای فوق، تفاوت‌های فوق را می‌تواند توجیه کند. لذا اهمیت مطالعه نقش عوامل توسعه‌ای، فرهنگی، ارزشی و اجتماعی مؤثر بر سن ازدواج در کشورهای مختلف بیش از پیش مشخص می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** سن ازدواج، پیش‌رسی ازدواج، مجرد قطعی، کشورهای آسیا و اقیانوسیه، ایران

#### مقدمه

فرایند تشکیل خانواده و ازدواج به عنوان یکی از مراحل اساسی زندگی افراد در جامعه می‌باشد و بر سایر فرایندها و پدیده‌های جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار بوده و مورد علاقه و توجه محققین رشته‌های مختلف علوم اجتماعی می‌باشد. جمعیت‌شناسان ازدواج را به عنوان یکی از وقایع حیاتی و پدیده‌ای تأثیرگذار بر روی سه فرآیند مهم جمعیتی یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت مورد مطالعه قرار می‌دهند. از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی نیز مطالعه ازدواج هم به عنوان یک رسم و هم به عنوان یک نهاد اجتماعی و تأثیر آن در پیوندهای گروهی و اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. در این اواخر، علمای اقتصاد نیز با ارایه نظریاتی در باب ازدواج و تعریف آن بر حسب قواعد عرضه و تقاضا و بازار، جایی را در مطالعه ازدواج برای خود باز کرده‌اند (کنعانی ۱۳۸۵: ۱۰۵).

از جمله دلایل اهمیت یافتن مطالعه در زمینه ازدواج در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، تغییرات سریع این پدیده در طول و جریان فرآیند نوسازی و توسعه جوامع مختلف بوده است. تغییر در شیوه تولید و زندگی و نیازهای جدیدی که در جامعه مطرح می‌شود موجب تغییراتی در کیفیت رفتارهای انسانی می‌شود که به نوبه خود تغییراتی را در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی و به ویژه زمان تشکیل خانواده و سن ازدواج به وجود می‌آورد (کنعانی ۱۳۸۵: ۱۰۵).

بین ازدواج و اولین فرزندآوری ارتباط مستقیمی وجود دارد. از اینرو، در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در کشورهای توسعه یافته و اخیراً در کشورهای در حال توسعه، نقش تغییرات زمان ازدواج را در انتقال باروری نشان داده‌اند (کوآل و واتکینز<sup>۱</sup> ۱۹۸۶؛ کاسترلین<sup>۲</sup> ۱۹۹۴؛ روزرو بیکسبای<sup>۳</sup> ۱۹۹۶). در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، باروری زیر سطح جانشینی، به علت تأخیر در ازدواج و یا افزایش مجرد ایجاد شده است. علاوه بر این، تغییرات الگوی ازدواج به خودی خود نیز از اعتبار برخوردار است؛ نه تنها به علت تأثیرات آن بر باروری، مرگ و میر و مهاجرت بلکه به دلیل تأثیر آن بر تغییرات اجتماعی جوامع و اینکه فرآیند ازدواج منعکس‌کننده طریقی است که زندگی خانوادگی در یک فرهنگ خاص سازماندهی شده و شکل می‌گیرد. اینکه فرد در چه سنی ازدواج می‌کند، با چه کسی ازدواج می‌کند و چطور ازدواج می‌کند، کاربردهایی برای روابط جنسیتی در هر جامعه‌ای دارد (مالهوترا<sup>۴</sup> ۱۹۹۷). ازدواج اگر چه به عنوان یک عمل ارادی، تابع خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی است، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامونش، آن را تحت تأثیر روابطی دو سویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد و لذا به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه محققین علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان قرار گرفته است. (کاظمی‌پور ۱۳۸۳: ۱۰۴).

قاره آسیا حدود ۶۰ درصد از جمعیت جهان را در خود جای می‌دهد. دو کشور بزرگ و پرجمعیت هند و چین حدود ۴۰ درصد جمعیت دنیا را در خود جا می‌دهند. در آسیا در نیم قرن گذشته، ازدواج تقریباً همگانی بود و کمتر از ۵ درصد از افراد سنین ۴۹-۴۵ ساله مجرد باقی می‌ماندند. همچنین در اکثر موارد، ازدواج‌ها زیر سن ۲۵ سالگی اتفاق می‌افتاد. طی دهه‌های اخیر به لحاظ تغییرات عمده اما متفاوت و ناهمگونی که در روند شکل‌گیری ازدواج در جوامع مختلف روی داده است این پدیده بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این

1. Coale & Watkins
2. Casterline
3. Rosero-Bixby
4. Malhotra

بررسی مقایسه‌ای، روند تغییرات میانگین سن ازدواج و همچنین تعدادی از شاخص‌های اصلی مرتبط با سن ازدواج در ۱۰ کشور منتخب حوزه آسیا و اقیانوسیه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سؤالات اصلی این مطالعه این است که طی ۴۰ سال اخیر، روند تغییرات میانگین سن ازدواج، تفاوت سنی زوجین، پیش‌رسی ازدواج و مجرد قطعی در کشورهای آسیا و اقیانوسیه چگونه بوده است؟ آیا این تغییرات در تمامی این کشورها دارای شدت و الگوی یکسان بوده یا اینکه از يك کشور به کشور دیگر متفاوت بوده است؟ تغییرات شاخص‌های فوق طی چهار دهه گذشته، در کشور ایران نسبت به سایر کشورها، چگونه است؟ چه عواملی این تفاوت‌ها را توضیح خواهند داد؟ پاسخ به این سؤالات در این مطالعه، گامی نخست به شمار می‌رود تا اینکه در بررسی دیگر، زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی این تغییرات مشخص شود و در نهایت، شناختی جامع از پیش‌بینی تغییرات سن ازدواج و تعیین‌کننده‌های آن در کشورهای آسیا و اقیانوسیه در مقایسه با ایران به دست آید.

#### پیشینه تجربی و نظری تحقیق

مطالعات متعددی در ارتباط با سن ازدواج در کشورهای مختلف صورت گرفته است (منچ<sup>۱</sup>، سینگ<sup>۲</sup> و کاسترلین<sup>۳</sup>؛ ۲۰۰۵؛ کالدول<sup>۴</sup>؛ ۲۰۰۵؛ گرین‌اسپن<sup>۵</sup>؛ ۱۹۹۲؛ ایسلام و احمد<sup>۶</sup>؛ ۱۹۹۸؛ جونز<sup>۷</sup>؛ ۲۰۱۰). بسیاری از این مطالعات نشان داده‌اند که سن اولین ازدواج در میان مردان و زنان، در اغلب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه افزایش یافته است. هر چند، روند و میزان تغییر این شاخص بین کشورها و مناطق، متفاوت است. اغلب مطالعات انجام شده در آسیا و جنوب شرق آسیا نیز شواهدی را مبنی بر تأیید تئوری گود (در حال تغییر بودن سن در اولین ازدواج) نشان داده‌اند. احتمال تأخیر در ازدواج، در افراد با تحصیلات بالاتر، افرادی که در شهر زندگی می‌کنند و افرادی که دارای شغل با درآمد هستند بیشتر است. کشورهای ژاپن،

1. Mench
2. Singh
3. Caldwell
4. Greenspan
5. Islam & Ahmed
6. Jones

کره، تایوان، مالزی، سنگاپور، چین و تایلند به طور چشمگیری افزایش سن ازدواج را نشان داده‌اند. با این حال در برخی کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا از قبیل اندونزی، ویتنام، بنگلادش، هند و نپال افزایش سن ازدواج لزوماً به این شکل اتفاق نیفتاده است (ساویتریدینا<sup>۱</sup> ۱۹۹۷؛ گوین<sup>۲</sup> ۱۹۹۷؛ ایسلام و محمود<sup>۳</sup> ۱۹۹۶؛ ایسلام و احمد ۱۹۹۸).

منچ، سینگ و کاسترلین (۲۰۰۵) با استفاده از داده‌ها و اطلاعات بخش جمعیت سازمان ملل از ۷۳ کشور در حال توسعه و همچنین با استفاده از داده‌های گذشته‌نگر طرح سلامت و جمعیت (DHS) ۵۲ کشور که طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۰ جمع‌آوری شده بود، مطالعه‌ای جامع را با عنوان "روندها در زمان اولین ازدواج در میان مردان و زنان کشورهای در حال توسعه" انجام دادند. کشورهایی که در این بررسی وارد شده‌اند شامل همه کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا می‌باشد (به استثناء کشورهایهایی که از نظر بانک جهانی درآمد اقتصادی بالا دارند و همچنین کشورهای با جمعیت زیر ۱۴۰۰۰۰ نفر). بر اساس نتایج این مطالعه، طی ۳۰ سال گذشته، در اکثر کشورهای در حال توسعه، کاهش مهمی در نسبت مردان و زنان ازدواج کرده رخ داده است. نتایج این بررسی حاکی از آن است که سن اولین ازدواج با توجه به میزان دسترسی به آموزش و همچنین محل اقامت افراد (شهری و روستایی) متفاوت است. این بررسی نشان داد افزایش شهرنشینی، کاهش ازدواج سنتی، افزایش هزینه‌های ازدواج، مزیقه ازدواج، تغییر قوانین کشورها (از جمله قوانین مربوط به سن ازدواج) و تغییر شکل هنجارهای جهانی در ارتباط با ازدواج زودهنگام برای زنان، با تأخیر در ازدواج مرتبط است.

کالدول (۲۰۰۵) مطالعه‌ای بر روی تعیین‌کننده‌های سن ازدواج در جنوب آسیا (سریلانکا و بنگلادش) انجام داد و نشان داد تغییر در الگوی ازدواج سهم کمی در کاهش باروری در کشورهای جنوب آسیا دارد و علایمی از رشد قابل ملاحظه تجرد قطعی به چشم نمی‌خورد. جونز (۲۰۱۰) به بررسی تغییرات الگو و روند ازدواج (سنتی و خویشاوندی) در ۱۵ کشور شرقی و جنوب شرقی آسیا پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۷۰ ازدواج سنتی به مدرن تغییر یافته، میانگین سن اولین ازدواج مردان و زنان، مخصوصاً در ژاپن،

1. Savitridina
2. Nguyen
3. Islam & Mahmud

کره‌جنوبی و هنگ‌کنگ افزایش یافته و درصد تجرد قطعی در زنان گروه سنی ۳۹-۳۵ سال افزایش یافته است. همچنین ازدواج زودهنگام در همه این کشورها کاهش یافته است. تبیین و توضیح الگوی سنی ازدواج و تغییرات آن در یک جامعه نیازمند نظریه‌ای است که این الگو را با فرد، خانواده و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پیوند دهد، زیرا که ازدواج به معنای آغاز پیوند فرد با یک شریک جدید از جنس مخالف و پایه تشکیل زندگی مشترک و خانواده بر مبنای ابزارهای وفاق عمومی مانند عرف، قانون و شرع برای فرد، خانواده و جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است و به همین دلیل هر فردی با توجه به ویژگی‌های خود، هر خانواده‌ای با توجه به زمینه‌ها و موقعیت خود و هر جامعه‌ای با توجه به مجموعه شرایط زمانی و مکانی، ایده‌آل‌ها، هنجارها و الگوهای را برای آغاز این پیوند تعیین و اعمال می‌کند. رهیافت‌های نظری مختلفی برای تبیین زمان آغاز فرایند ازدواج و تشکیل خانواده مطرح شده‌اند (کنعانی ۱۳۸۵: ۱۰۷)، نظریه نوسازی که بر پایه ترکیب مدل‌های مفهومی دو نظریه جامعه‌شناختی: نظریه تکاملی قرن نوزدهم و نظریات کارکردی-ساختی قرن بیستم بسط یافته است، پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تغییرات و تحولات در نظام خانواده و به‌ویژه سن ازدواج را تشکیل می‌دهد. گود<sup>۱</sup> (۱۹۶۳) با بررسی تغییرات ساختی خانواده در سرتاسر جهان، تأثیر آن را بر سن ازدواج مورد بررسی قرار داده است. از نظر او فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است. در این فرایند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و الزامات دو جانبه بین زوج‌ها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است و زمانی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، ما باید انتظار تغییر الگوی عمومی سن ازدواج را داشته باشیم.

1. Good

اسمیت<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) با این زمینه فکری نوسازی معتقد است که اگر چه عوامل مؤثر بر ساختار خانواده و نتایج آنها پیچیده و برای جوامع غیرغربی متغیر است، با این وجود حداقل یک نتیجه مشابه حاصل شده است: «تغییر اجتماعی به ازدواج دیرتر، هم برای مردان و هم برای زنان در تقریباً تمامی زمینه‌های فکری-اجتماعی مورد بررسی منجر شده است» (اسمیت ۱۹۸۰). چارچوب نظری که با استفاده از این نظریه طرح‌ریزی شده، به طور ساده بین عوامل سنتی و غیرسنتی (مدرن) تمایز گذاشته است. بر این اساس، عوامل سنتی عبارتند از نظام خویشاوندی، تولید و ارث و عوامل غیرسنتی که در جریان نوسازی ایجاد می‌شوند، عبارتند از گسترش فرصت‌های آموزشی و تحصیلی، تغییر در فعالیت اقتصادی نیروی کار و شهرنشینی (اسمیت ۱۹۸۰).

نظریه دیگری که برای تبیین تغییرات و اختلافات در سن ازدواج مورد استفاده قرار گرفته، نظریه مبادله است. فرض اساسی نظریه مبادله آن است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی‌اند و در صدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. این نظریه عمدتاً از طریق کارهای جورج هومنز و پیتر بلاو تأثیر عمده‌ای بر تحقیقات جامعه‌شناختی داشته است. بارتز و نای<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج دو دسته علل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کردند. دسته اول آنهایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم آنهایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آنها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با ازدواج یک قضیه نظری عام مطرح کردند؛ به این صورت که «هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، احتمال ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود».

اقتصاددانانی مانند بکر و ایسترلین نیز نظیر مدافعان نظریه مبادله، پایه‌های اقتصادی را برای تبیین تغییرات در سن ازدواج ارایه کرده‌اند. به عنوان مثال از نظر ایسترلین تصمیم فرد برای

1. Smith

2. Bartz & Nye

ازدواج و باروری بستگی به انتظارات اقتصادی وی دارد (اسپنشاد<sup>۱</sup> ۱۹۸۵؛ لستهاق<sup>۲</sup> ۱۹۹۸). بر اساس نظریه بکر<sup>۳</sup> (۱۹۷۴)، تصمیم‌گیری فرد در بازار ازدواج برای ازدواج کردن یا مجرد ماندن بر اساس منافع و هزینه‌های حاصل از این تصمیم می‌باشد. ویلیام گود در انتقاد به نظریه بکر به جنبه‌های هنجاری رفتار زناشویی و نقش خانواده تأکید می‌کند (گود ۱۹۷۴). در حقیقت در بسیاری از جوامع سنتی گذشته و حتی در جوامع معاصر، تصمیم فرد برای ازدواج یا مجرد ماندن در اختیار او نیست و بسیاری از عوامل، ویژگی‌ها و معیارها در سطح جامعه و خانواده در این تصمیم‌گیری مؤثرند.

رویکرد دیگر درباره تفاوت‌های قومی و مذهبی الگوهای ازدواج مبتنی بر نظریه قومی - فرهنگی است. این نظریه نقش قومیت و فرهنگ را در تبیین تفاوت‌های الگوهای ازدواج مهم می‌داند. تئوری فرهنگی بر نقش ارزش‌ها، هنجارها و نظام‌های هویتی و فرهنگی در شکل‌گیری الگوهای ازدواج و سایر رفتارهای جمعیتی تأکید دارند (لستهاق ۱۹۸۳؛ سورنسون<sup>۴</sup> ۱۹۸۵؛ ادای و تروواتو<sup>۵</sup> ۱۹۹۹؛ و آرنالدو<sup>۶</sup> ۲۰۰۲). در قالب این تئوری، "فرضیه هنجاری - فرهنگی" به عنوان تبیین جایگزینی برای فرضیه مشخصه‌ها ارایه شده است که بر نقش مستقل و معنی‌دار هنجارهای قومی و فرهنگی بر الگوهای ازدواج تأکید دارد و بر این باور است که هنجارها، آرمان‌ها، و اعتقادات قومی، عوامل مهم و تعیین‌کننده در الگوهای ازدواج هستند (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴: ۳۰).

بنابراین، الگوی ازدواج بر حسب اجتماعات و اقوامی که دارای فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی خاصی هستند، متغیر خواهد بود و به همین دلیل در بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج می‌بایستی این تفاوت‌ها در میان اجتماعات تشکیل دهنده جامعه کل به ویژه در جوامع چند قومی مورد توجه قرار گیرد. این تغییرات و تفاوت‌ها بر حسب قومیت در سن ازدواج یا سایر فرایندهای مربوط به تشکیل خانواده حتی در جوامع صنعتی و پیشرفته امروزی اهمیت

1. Espenshade
2. Lesthaeghe
3. Becker
4. Sironson
5. Addai & Trovato
6. Arnaldo

خاصی دارد. مطالعات انجام شده در کشورهای آسیایی نیز نقش این عامل را در تفاوت الگوهای ازدواج نشان داده است (کنعانی ۱۳۸۵: ۱۰۹).

#### روش

این مطالعه به توصیف و مقایسه روند تغییرات برخی شاخص‌های مرتبط با ازدواج طی ۴ دهه اخیر در کشورهای حوزه آسیا و اقیانوسیه با تأکید بر کشور ایران می‌پردازد. بخش عمده داده‌های مورد استفاده در این تحقیق را داده‌های مربوط به ازدواج بخش جمعیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ تشکیل می‌دهد و در موارد معدودی نیز به علت وجود خلأ در داده‌های سازمان ملل، از داده‌های معتبر موجود در مطالعات مرتبط با کشورهای مورد بررسی استفاده شده است.

به لحاظ وسعت و تعداد بالای کشورهای حوزه آسیا و اقیانوسیه، در این مطالعه سعی شده است با در نظر گرفتن چند معیار اساسی، تعدادی از این کشورها به صورت نمونه انتخاب شود و اهداف مورد نظر تحقیق در آنها دنبال گردد. از این رو با مد نظر قرار دادن معیارهای ذیل، تعداد ۱۰ کشور انتخاب گردید:

در یکی از مناطق پنج‌گانه آسیا و اقیانوسیه مشخص شده توسط کمیسیون اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل در منطقه آسیا و اقیانوسیه (ESCAP)، موجود باشد. این مناطق پنج‌گانه عبارتند از: "شرق و شمال‌شرق آسیا"، "جنوب‌شرقی آسیا"، "جنوب و جنوب‌غربی آسیا"، "شمال آسیا و آسیای مرکزی" و "اقیانوسیه"؛

توزیع و پراکندگی لازم در انتخاب کشورهای حوزه آسیا و اقیانوسیه وجود داشته باشد؛

شامل کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه باشد؛

شامل کشورهای پرجمعیت، با جمعیت متوسط و کم جمعیت باشد.

با در نظر گرفتن این معیارها، از هر یک از مناطق پنج‌گانه حوزه ESCAP، دو کشور انتخاب شد که در مجموع، ۱۰ کشور برای بررسی اهداف مورد نظر این مطالعه به این شرح انتخاب گردید: آذربایجان و تاجیکستان (شمال آسیا و آسیای مرکزی)، ایران و هند (جنوب و جنوب‌غربی آسیا)، چین و ژاپن (شرق و شمال‌شرق آسیا)، تایلند و مالزی (جنوب‌شرقی آسیا)

و استرالیا و نیوزلند (اقیانوسیه). در تحلیل‌ها، جایگاه ایران در بین سایر کشورها، مشخص و مقایسه می‌گردد.

در جدول ۱، مشخصات اصلی جمعیتی و همچنین دو شاخص اقتصادی از این کشورها آمده است. آذربایجان، تاجیکستان و نیوزلند، با جمعیتی کمتر ۱۰ میلیون نفر، جزء کشورهای بسیار کم جمعیت و کشورهای چین و هند با جمعیتی بیش از ۱ میلیارد نفر، جزء کشورهای بسیار پر جمعیت این مطالعه به شمار می‌روند. کشورهای هند و ژاپن، پرتراکم‌ترین و کشورهای استرالیا و نیوزلند کم تراکم‌ترین این کشورها هستند. با در نظر داشتن تست ورتهایم<sup>۱</sup> و با توجه به ارقام توزیع سنی و میانه سنی جمعیت این ده کشور، تاجیکستان یک کشور با جمعیت نسبتاً جوان و ژاپن یک کشور با جمعیت نسبتاً پیر شناخته می‌شوند. ارقام امید زندگی در کشورهای منتخب نشان می‌دهد که هند و ژاپن با اختلافی نزدیک به ۲۰ ساله به ترتیب کمترین و بیشترین امید زندگی را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس طبقه‌بندی سازمان ملل از نظر سطح شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۰، کشورهای استرالیا، نیوزلند و ژاپن در درجه خیلی بالا؛ کشورهای مالزی، آذربایجان و ایران در درجه بالا و همچنین کشورهای چین، تایلند، تاجیکستان و هند در درجه متوسط قرار دارند (رتبه جهانی کشورهای مورد بررسی در شاخص توسعه انسانی (HDI) در سال ۲۰۱۰ به این قرار است: استرالیا: ۲، نیوزلند: ۳، ژاپن: ۱۱، مالزی: ۵۷، آذربایجان: ۶۷، ایران: ۷۰، چین: ۸۹، تایلند: ۹۲، تاجیکستان: ۱۱۲ و هند: ۱۱۹). به لحاظ تولید ناخالص ملی نیز در بین این ده کشور، استرالیا و ژاپن در بالاترین سطح و تاجیکستان و هند در پایین‌ترین سطح قرار دارند.

### تعریف مفاهیم

میانگین سن ازدواج اول<sup>۲</sup> (MAFM)، یکی از معمول‌ترین شاخص‌های زمان‌بندی ازدواج در تحلیل‌های جمعیتی است که برای محاسبه آن، اطلاعاتی در مورد تعداد و سن ازدواج‌های اول مورد نیاز است. این اطلاعات در برخی کشورها در دسترس نمی‌باشد؛ از این روی، کاربرد

۱. بر اساس تست ورتهایم (Wertheim) یا آزمون ۴۰ درصد، در صورتیکه جمعیت ۱۴-۰ ساله، حداقل ۴۰ درصد کل جمعیت را تشکیل دهد، آن جمعیت یک جمعیت جوان به شمار می‌رود (کاظمی پور ۱۳۸۳: ۵۱).

2. Mean Age at First Marriage

معادل آن، یعنی متوسط سال‌های تجرد یا هرگز ازدواج نکرده (SMAM)<sup>۱</sup> که به روش غیرمستقیم برآورد می‌شود متداول است (کوششی ۱۳۸۵). در این بررسی، سعی شده است در مورد تمام کشورها، از شاخص SMAM استفاده شود.

در صورت در دسترس بودن اطلاعات مربوط به ازدواج‌های توافقی کشورها، این داده‌ها، در داده‌های سازمان ملل آورده می‌شود. در بین کشورهایی که برای این بررسی انتخاب شده‌اند، ازدواج‌های توافقی تنها برای آذربایجان، تاجیکستان و چین گزارش شده است؛ هرچند، میزان این ازدواج‌ها در این کشورها پایین است. همچنین، نسبت سال‌هایی که در ازدواج‌های توافقی است، جدای آنچه در ازدواج‌های گزارش شده است، کمتر از ۲۰ درصد می‌باشد (سازمان ملل<sup>۲</sup> ۲۰۰۹). لذا آمارهایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، دلالت بر ازدواج‌های رسمی ثبت شده دارد. در داده‌های سازمان ملل، زمانی که داده‌های افراد در خصوص ازدواج توافقی و یا شریک گذرا<sup>۳</sup> گزارش می‌گردد، این داده‌ها در طبقات وضعیت ازدواج نیز می‌آیند. اصول و توصیه‌های سرشماری جمعیت و مسکن (اصلاحیه دوم)، پیشنهاد می‌کند که ازدواج‌های رسمی، مانند ازدواج‌های ثبت شده و ازدواج‌های توافقی، زمانی که قانونی بوده و تحت حمایت قانون هستند، به‌طور جداگانه گزارش و لیست شوند (پاراگراف دوم، ص ۱۴۶). گرچه، داده‌های سرشماری در مورد ازدواج‌های توافقی که در داده‌های جهانی ازدواج سازمان ملل در سال ۲۰۰۹ ارائه شده است، لزوماً پایبند به این توصیه نمی‌باشد. همچنین تنوع زیادی در تعاریف مربوط به ازدواج‌های توافقی و ازدواج‌های موقت و گذرا در پیمایش‌ها وجود دارد. اطلاعات در مورد تعاریف مورد استفاده در پیمایش‌ها بایستی از منابع اصلی داده‌ها استخراج گردد (سازمان ملل ۲۰۰۹).

اختلاف میان میانگین‌های سن ازدواج زن و مرد را نیز "تفاوت سنی ازدواج" می‌نامند (تقوی ۱۳۸۳: ۶۵). همچنین، ازدواج زن و مرد را پیش از سنی که به وسیله قانون، و یا شرع و عرف برای زناشویی تعیین گردیده، ازدواج پیش‌رس<sup>۴</sup> می‌گویند. بنابراین نسبت افرادی که زودتر

1. Singulate Mean Age at Marriage
2. United Nations
3. Visiting partner
4. Early Marriage

از سن قانونی ازدواج، تشکیل زندگی زناشویی داده‌اند مشخص‌کننده پیش‌رسی ازدواج می‌باشد. نسبت زنان ازدواج کرده در گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله و نسبت مردان ازدواج کرده در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله نیز می‌تواند تقریبی از پیش‌رسی ازدواج به دست دهد. با توجه به ناچیز بودن نسبت درصد زنانی که در گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله ازدواج می‌کنند، معمولاً گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله مبنای بررسی پیش‌رسی ازدواج قرار می‌گیرد (میرزایی ۱۳۸۶: ۸۲).

درصد مجردین در تمام گروه‌های سنی از ۱۵ ساله به بالا مورد محاسبه قرار می‌گیرد و هر چه به سن افراد اضافه می‌شود، از رقم درصد مجردین کاسته می‌شود. سنی که این رقم به حداقل رسیده و پس از آن تکرار می‌گردد، سن مجرد قطعی نامیده می‌شود (کازمی پور ۱۳۸۸: ۴۸). این شاخص به لحاظ تأثیری که می‌تواند بر زاد و ولد و باروری بگذارد، حایز اهمیت است. نسبت مجرد قطعی، اندازه‌اش متغیر و در جوامع مختلف تحت تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و مذهبی، متفاوت از یکدیگر است (میرزایی ۱۳۸۶: ۸۴ و ۸۶). هرچند سنین مورد محاسبه در شاخص درصد مجرد قطعی می‌تواند از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد، اما سنین مجرد قطعی همه کشورهای مورد بررسی در این مطالعه یکسان فرض شده و برای زنان، گروه سنی ۴۴-۴۰ سال و برای مردان، گروه سنی ۴۹-۴۵ سال در نظر گرفته شده است.

تصویر ۱: کشورهای منتخب مورد مطالعه در بین سایر کشورهای حوزه آسیا و اقیانوسیه



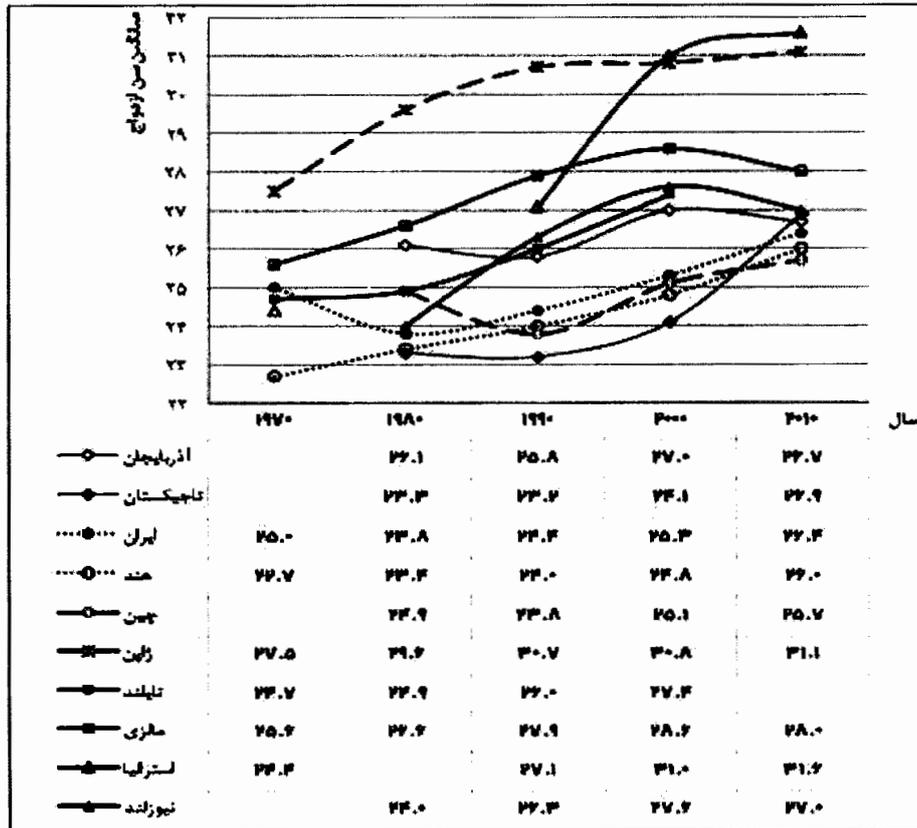
## یافته‌ها

### روند تغییرات میانگین سن ازدواج

نتایج نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، میانگین سن ازدواج در همه کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه افزایش یافته است. روند این افزایش در برخی از کشورها همواره صعودی بوده و در برخی کشورها با افت و خیزهایی همراه بوده است. در سال ۱۹۷۰، پایین‌ترین میانگین سن ازدواج مردان مربوط به کشور هند بوده و بالاترین این رقم به کشور ژاپن اختصاص داشته است (در هند ۲۲/۷ سال و در ژاپن ۲۷/۵ سال). این دو کشور در سال ۲۰۱۰ نیز در زمره برخوردارانی از پایین‌ترین و بالاترین رقم سن ازدواج مردان قرار داشته‌اند. به نحوی که کشور هند پس از کشور چین و کشور ژاپن پس از کشور استرالیا دارای پایین‌ترین و بالاترین مقدار این شاخص بوده‌اند. توضیح اینکه، کشور استرالیا از سال ۲۰۰۰ به بعد، گوی سبقت را از کشور ژاپن ربوده و در سال ۲۰۱۰، بالاترین رقم را به خود اختصاص داده است (۳۱/۶ سال)؛ کشور چین نیز در این سال کمترین رقم این شاخص را از آن خود کرده است (۲۵/۷ سال). (نمودار ۱).

روند تغییرات میانگین سن ازدواج مردان در کشورهای استرالیا و نیوزلند، از نکات قابل توجه در نمودار ۱ می‌باشد. این دو کشور تا سال ۱۹۸۰ و در مقایسه با سایر کشورها، جزء کشورهای با میانگین سن ازدواج پایین به شمار می‌رفتند، اما تا سال ۲۰۰۰ افزایش چشمگیری را در این شاخص به ثبت رساندند. کشور استرالیا از سال ۲۰۰۰ به بعد، بیش از پیش خود را به کشور ژاپن نزدیک نموده و در سال ۲۰۱۰، بالاترین میانگین این شاخص را به خود اختصاص داده است. البته کشور نیوزلند از سال ۲۰۰۰ به بعد، با در پیش گرفتن روندی کاهشی، از کشور استرالیا فاصله گرفته است. کشورهای مالزی و تایلند از منطقه جنوب شرقی آسیا، طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰، با طی کردن روند افزایشی نسبتاً ثابت در شاخص مذکور، در بین کشورهای منتخب مورد بررسی جایگاهی میانه را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سن ازدواج مردان کشور مالزی و تایلند در آخرین سالی که داده‌های این دو کشور در دسترس است (سال ۲۰۰۰)، به ترتیب به ۲۸/۶ و ۲۷/۴ سال رسیده است. میانگین سن ازدواج مردان کشور آذربایجان نیز با کمی افت و خیز از ۲۶/۱ در سال ۱۹۸۰ به ۲۶/۷ در سال ۲۰۱۰ رسیده است.

نمودار ۱: روند تغییرات میانگین سن ازدواج مردان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه، طی سال‌های ۲۰۱۰ - ۱۹۷۰\*



\* میانگین سن ازدواج کشورها به طور دقیق به این سال‌ها مربوط می‌شود: آذربایجان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶)؛ ایران (۱۹۶۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱، ۲۰۱۱)؛ چین (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ ژاپن (۱۹۷۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰، ۲۰۱۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶). منابع: برای همه کشورها: سازمان ملل ۲۰۰۹. (به استثناء: تاجیکستان در سال ۲۰۱۰؛ شیزو ۲۰۱۰؛ ۵۸؛ چین در سال ۲۰۱۰؛ جونز ۲۰۱۰؛ ۱۹؛ مالزی در سال ۲۰۱۰؛ بخش آمار کشور مالزی ۲۰۱۱؛ هند در سال ۲۰۱۰؛ ویکیپدیا ۲۰۱۲).

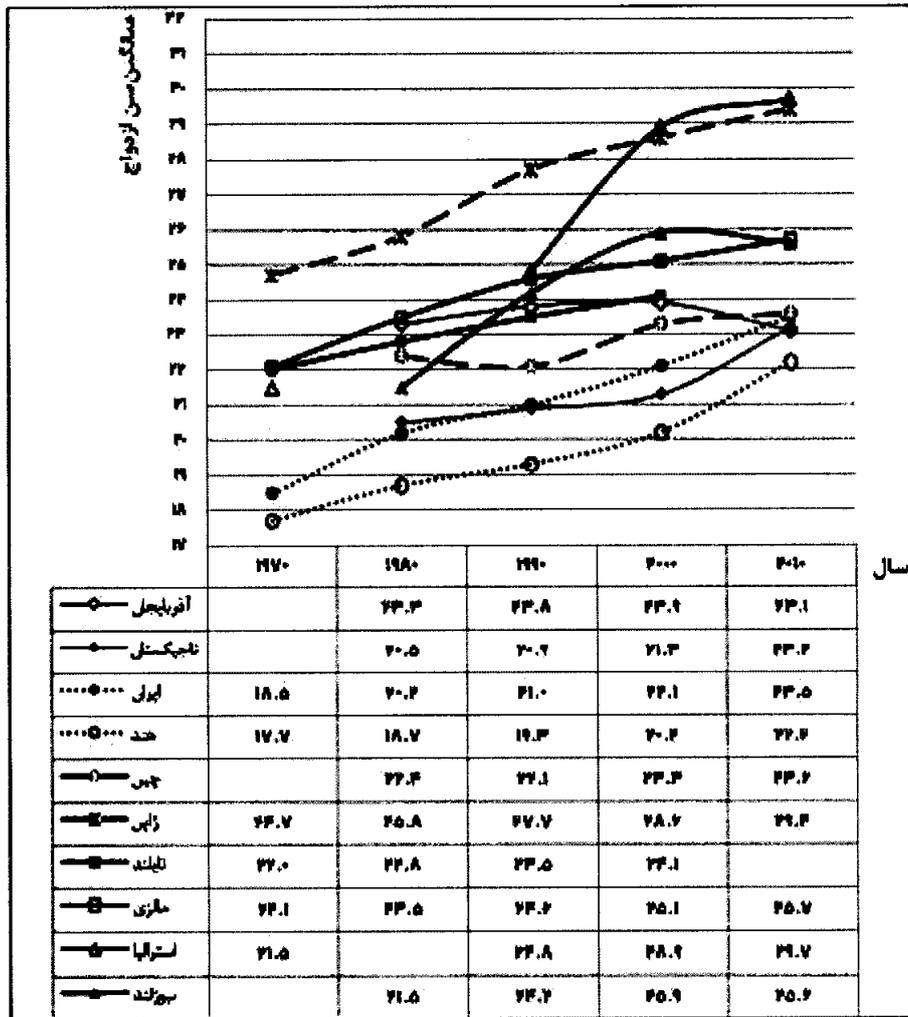
1. Shabozov
2. Department of Statistics, Malaysia
3. Wikipedia

میانگین سن ازدواج مردان در ایران در سال ۱۹۷۰ میلادی ۲۵ سال بود و با این رقم، ایران جزء کشورهای با میانگین سن ازدواج متوسط در مردان محسوب می‌شد. اما پس از آن با ۱/۲ سال کاهش، تا سال ۱۹۸۰ خود را در زمره کشورهای با میانگین سن ازدواج پایین در مردان قرار داد و از این سال به بعد نیز همواره روندی افزایشی ملایم و تدریجی را طی نموده و تا سال ۲۰۱۰ همچنان جایگاه خود را در ردیف کشورهای با میانگین سن ازدواج پایین در مردان حفظ نموده است. کاهش میانگین سن ازدواج در مردان در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، همزمان با رخداد انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸ بود که معیارهای انتخاب همسر و ساده زیستی دستخوش تحول شد و موجب ثبات و کاهش سن ازدواج بخصوص در مردان شد (کاظمی‌پور ۱۳۸۳).

در کل، میانگین سن ازدواج مردان در کشورهای منتخب، طی ۴ دهه گذشته به سمت افزایش میل کرده ولی به نظر می‌رسد که در سال ۲۰۱۰، میانگین سن ازدواج مردان در سه منطقه سنی مختلف همگرا می‌گردند. در منطقه سنی پائینی، کشورهای ایران، چین، تاجیکستان، آذربایجان و نیوزلند؛ در منطقه میانی، کشور مالزی و در منطقه سنی بالایی دو کشور ژاپن و استرالیا قرار می‌گیرند.

نمودار ۲ روند تغییرات میانگین سن ازدواج زنان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۰ را نشان می‌دهد. این نمودار به طور کلی نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج زنان نیز همانند میانگین سن ازدواج مردان طی ۴۰ سال اخیر افزایش یافته است.

نمودار ۲: روند تغییرات میانگین سن ازدواج زنان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه، طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰\*



\* میانگین سن ازدواج کشورها به طور دقیق به این سال‌ها مربوط می‌شود: آذربایجان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶)؛ ایران (۱۹۶۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱، ۲۰۱۱)؛ چین (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ ژاپن (۱۹۷۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰، ۲۰۱۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶). منابع: برای همه کشورها: سازمان ملل ۲۰۰۹. (به استثناء: تاجیکستان در سال ۲۰۱۰؛ شیزو ۲۰۱۰: ۵۸؛ چین در سال ۲۰۱۰؛ جونز ۲۰۱۰: ۱۹؛ مالزی در سال ۲۰۱۰؛ بخش آمار کشور مالزی ۲۰۱۱؛ هند در سال ۲۰۱۰؛ ویکیپدیا ۲۰۱۲).

ارقام این نمودار به خوبی گویای آن است که از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۰، میانگین سن ازدواج زنان ژاپنی نسبت به میانگین سن ازدواج زنان سایر کشورها بالاتر بوده است (به میزان حداقل یک سال و در برخی مقاطع زمانی بیش از دو سال)؛ اما از طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۰، میانگین سن ازدواج زنان استرالیایی از میانگین سن ازدواج زنان ژاپنی پیشی می‌گیرد. برعکس، کشور هند از نظر مقدار این شاخص، در تمامی این بازه زمانی، پایین‌ترین رقم را دارا بوده است. مقایسه روند تغییرات میانگین سن ازدواج زنان هندی و ژاپنی نیز بسیار جالب است. به گونه‌ای که طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۰، در کمترین درجه تفاوت، میانگین سن ازدواج زنان ژاپنی ۷ سال بیشتر از میانگین سن ازدواج زنان هندی است و در بیشترین درجه تفاوت، این رقم به ۸/۴ سال نیز می‌رسد (سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰). لازم به ذکر است که بیشترین شیب افزایش سن ازدواج زنان در کشور ژاپن بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ اتفاق افتاده است (از ۲۵/۸ به ۲۷/۷ سال).

کشورهای استرالیا و نیوزلند از منطقه اقیانوسیه، تا سال ۱۹۸۰ از نظر میانگین سن ازدواج زنان، تقریباً حالت میانه‌ای را در بین کشورهای منتخب داشته‌اند اما از این سال به بعد، روند افزایشی فزاینده‌ای را در پیش گرفتند. به گونه‌ای که از سال ۲۰۰۰، میانگین سن ازدواج زنان در کشور استرالیا با ۲۸/۹ سال، حتی از کشور ژاپن نیز بالاتر رفته و در مقایسه با سایر کشورها، در ردیف کشورهای با میانگین سن ازدواج بالا در زنان قرار می‌گیرد. از سال ۲۰۰۰ به بعد نیز اگر چه کشور نیوزلند روند کاهشی اندکی را در این شاخص تجربه نموده است، اما کشور استرالیا همچنان به روند شتابزده افزایشی خود ادامه داده و در سال ۲۰۱۰، میانگین سن ازدواج زنان این کشور به ۲۹/۷ سال رسیده است.

در سال ۱۹۷۰، میانگین سن ازدواج زنان کشورهای مالزی و تایلند از منطقه جنوب شرقی آسیا به ترتیب ۲۲/۱ و ۲۲/۰ سال بوده که بعد از کشور ژاپن در رتبه‌های دوم و سوم قرار داشتند. در سال ۲۰۰۰، شاخص مذکور برای این دو کشور به ترتیب به ۲۵/۱ و ۲۴/۱ سال افزایش یافته است و در این سال در بین کشورهای منتخب مورد بررسی تقریباً حالت میانه‌ای را دارا بوده‌اند. طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۰، میانگین سن ازدواج زنان در کشورهای ایران و تاجیکستان در مقایسه با سایر کشورها در سطح پایینی قرار داشته و میانگین سن ازدواج کشورهای آذربایجان و چین نیز تقریباً در حد متوسط بوده است. ادامه روند تغییرات این

شاخص در چهار کشور به گونه‌ای بوده که در سال ۲۰۱۰ تقریباً بر یکدیگر منطبق شده است (نمودار ۲). در کشور ایران، روند افزایش سن ازدواج در زنان، به صورت افزایشی تدریجی بوده و کاهشی که در سن ازدواج مردان در سال ۱۹۸۰ رخ داد، در مورد زنان اتفاق نیفتاد.

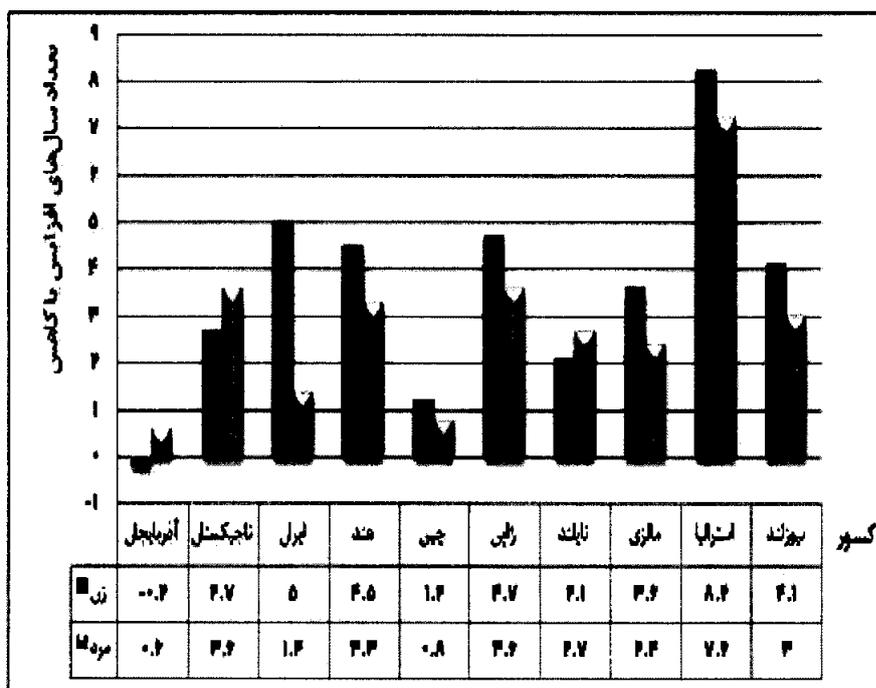
نمودارهای ۱ و ۲ نشان می‌دهند که روند تغییرات میانگین سن ازدواج زنان و مردان در هر کشور تقریباً مشابه بوده است. به گونه‌ای که در اکثر دوره‌های ۱۰ ساله زمانی، با افزایش یا کاهش سن ازدواج مردان یک کشور، سن ازدواج زنان آن کشور نیز افزایش یا کاهش یافته است. تنها استثناء، کشور ایران بوده است که در سال ۱۹۸۰، میانگین سن ازدواج مردان، کاهش یافته در حالی که میانگین سن ازدواج زنان، روند افزایشی خود را ادامه داده است. در مواردی معدودی از سایر کشورها، این الگو بین زنان و مردان یکسان نبوده است.

#### تعداد سال‌های افزایش یا کاهش میانگین سن ازدواج طی دوره ۱۹۷۰-۲۰۱۰

طی دوره ۴۰ ساله مورد بررسی، میانگین سن ازدواج کشورهای منتخب این مطالعه در حال افزایش بوده اما رقم این افزایش برای همه کشورها و همچنین بین دو جنس یکسان نبوده است. آمارها نشان می‌دهد که بیشترین رقم افزایش میانگین سن ازدواج برای زنان و مردان کشور استرالیا به ثبت رسیده است (۸/۲ سال برای زنان و ۷/۲ سال برای مردان). کمترین رقم افزایش در این شاخص نیز متعلق به مردان کشور آذربایجان بوده است (۰/۶ سال). البته کشور آذربایجان در این دوره زمانی، علاوه بر برخورداری از کمترین رقم افزایش سن ازدواج در مردان، حتی شاهد کاهش میانگین سن ازدواج زنان نیز بوده است (به اندازه ۰/۲ سال).

نمودار ۳: تعداد سال‌های افزایش یا کاهش میانگین سن ازدواج در کشورهای منتخب آسیا و

اقیانوسیه، به تفکیک جنس، طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰\*



\* فاصله سال‌ها: آذربایجان: (۱۹۷۹-۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹-۲۰۰۶)؛ ایران (۱۹۶۶-۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱-۲۰۱۱)؛ چین (۲۰۰۵-۱۹۸۲)؛ ژاپن (۱۹۷۰-۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰-۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰-۲۰۱۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱-۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶-۲۰۰۶). منابع: برای همه کشورها: سازمان ملل ۲۰۰۹. (به استثناء: تاجیکستان در سال ۲۰۱۰؛ شیزو ۲۰۱۰؛ ۵۸؛ چین در سال ۲۰۱۰؛ جونز ۲۰۱۰؛ ۱۹؛ مالزی در سال ۲۰۱۰؛ ویکیدیا ۲۰۱۲؛ هند در سال ۲۰۱۰؛ ویکیدیا ۲۰۱۲).

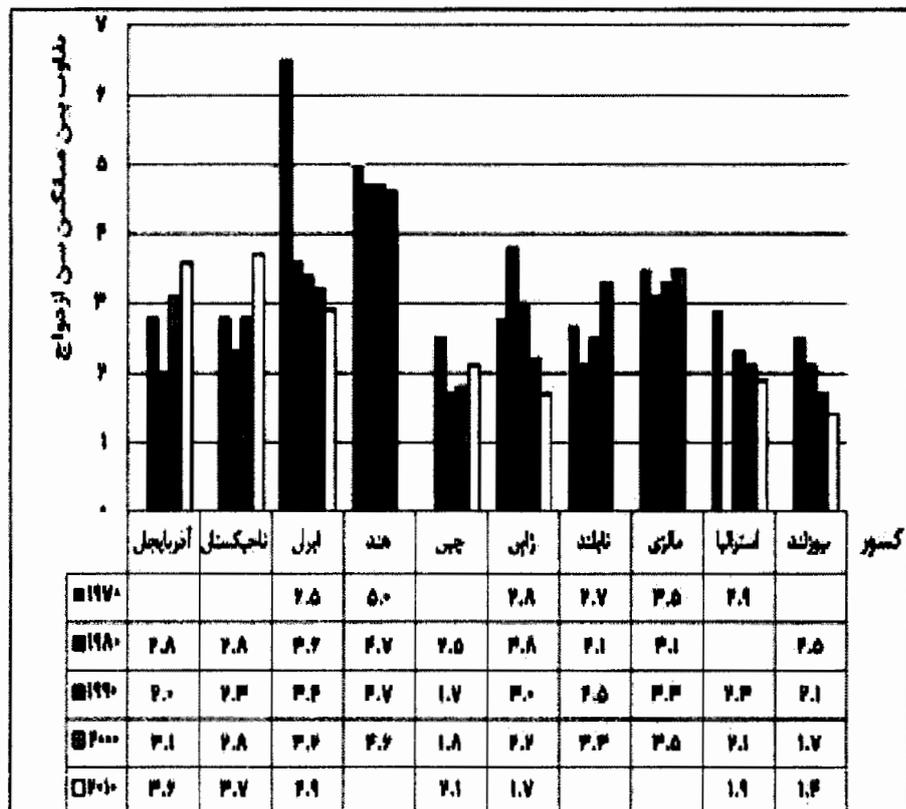
نمودار ۳ گویای آن است که در کشورهای تاجیکستان و تایلند، مقدار افزایش میانگین سن ازدواج در مردان بیشتر از زنان بوده و در کشورهای ایران، هند، چین، ژاپن، مالزی، استرالیا و نیوزلند، مقدار این افزایش در زنان بیشتر از مردان بوده است. جالب است که بیشترین تفاوت جنسیتی در مورد تغییرات سن ازدواج در چهار دهه گذشته در کشور ایران دیده می‌شود بطوریکه در زنان، میانگین سن ازدواج حدود ۵ سال افزایش یافته درحالی‌که در مردان فقط ۱/۴ سال افزایش را تجربه کرده است. این تفاوت می‌تواند نمایانگر تغییرات مهمی در ازدواج زنان در مقایسه با مردان در ایران باشد.

### روند تغییرات تفاوت بین میانگین سن ازدواج زنان و مردان

نمودار ۴، روند تغییرات تفاوت بین میانگین سن ازدواج زنان و مردان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۰ را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، در سال ۱۹۷۰، اختلاف میانگین سن ازدواج زنان و مردان برای کشورهایی که داده‌های آنها موجود است بیشتر از دو سال بوده است (حداقل ۲/۷ سال در تایلند و حداکثر ۶/۵ سال در ایران). این موضوع در سال ۱۹۸۰ نیز برای همه کشورهای منتخب، صادق بوده و در سال ۱۹۹۰، تنها در کشور چین این تفاوت به کمتر از دو سال رسیده است (۱/۷ سال). از سال ۱۹۹۰ به بعد نیز در برخی کشورها این رقم به کمتر از ۲ سال رسیده است.

کشورهای ایران و هند در سال ۱۹۷۰، با اختلافی فاحش، بالاترین تفاوت میانگین سنی ازدواج بین زن و مرد را به خود اختصاص داده بوده‌اند (ایران، ۶/۵ سال و هند، ۵ سال). هر چند کشور ایران از نظر این شاخص به زودی (در سال ۱۹۸۰) خود را به سایر کشورها نزدیک نمود اما کشور هند طی تمامی سال‌های مورد بررسی، همچنان بیشترین تفاوت سنی در ازدواج را دارا بوده است. به طور کلی، طی ۴۰ سال مورد بررسی، در کشورهای ایران، هند، چین، ژاپن، استرالیا و نیوزلند، از تفاوت میانگین سن ازدواج زنان و مردان کاسته شده است؛ اگر چه در کشورهای چین و ژاپن در مقطعی از این دوره، روند افزایشی نیز مشاهده می‌شود. طی دوره زمانی مذکور، کشورهای آذربایجان، تاجیکستان و تایلند نیز در این شاخص روند افزایشی را به ثبت رسانده‌اند و کشور مالزی تغییر چندانی نداشته است. روند کاهش بی‌انگیز افزایش بیشتر سن ازدواج زنان در مقایسه با مردان و روند افزایشی بی‌انگیز افزایش بیشتر سن ازدواج مردان در مقایسه با زنان می‌باشد. در کشور ایران، اختلاف میانگین سن ازدواج زنان و مردان بطور چشمگیری کاهش یافته است. بطوریکه از ۶/۵ سال در سال ۱۹۷۰، به ۲/۱ سال در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است.

نمودار ۴: روند تغییرات تفاوت بین میانگین سن ازدواج زنان و مردان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه به تفکیک سال \*



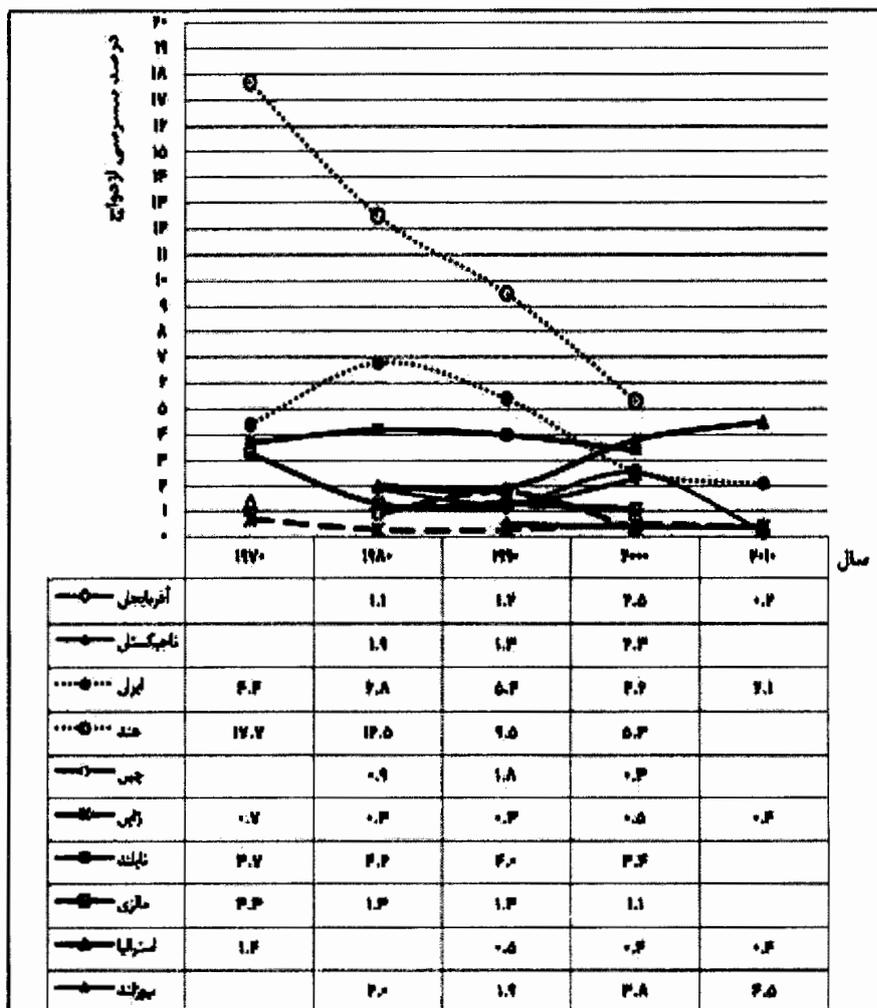
\* روند تغییرات تفاوت بین میانگین سن ازدواج زنان و مردان کشورهای منتخب، به طور دقیق به این سال‌ها مربوط می‌شود: آذربایجان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۶)؛ ایران (۱۹۶۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱)؛ چین (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ ژاپن (۱۹۷۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶). منابع: برای همه کشورها: سازمان ملل ۲۰۰۹. (به استثناء: تاجیکستان در سال ۲۰۱۰؛ شوزو ۲۰۱۰: ۵۸؛ چین در سال ۲۰۱۰؛ جونز ۲۰۱۰: ۱۹؛ مالزی در سال ۲۰۱۰؛ ویکیپدیا ۲۰۱۲؛ هند در سال ۲۰۱۰؛ ویکیپدیا ۲۰۱۲).

### روند تغییرات پیش‌رسی ازدواج در کشورهای منتخب

یافته‌ها نشان می‌دهد که درصد پیش‌رسی ازدواج مردان کشورهای منتخب این مطالعه طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ دارای افت و خیزهایی بوده است. طی این سال‌ها، کشورهای هند، ایران، چین، آذربایجان و مالزی به طور محسوسی شاهد کاهش درصد ازدواج‌های پیش‌رس در

مردان بوده‌اند و کشورهای نیوزلند و تاجیکستان شاهد افزایش در این شاخص بوده‌اند. کشورهای ژاپن و استرالیا نیز با تغییرات اندک و نسبتاً ثابت، جزء کشورهای با درصد پایین پیش‌رسی ازدواج در مردان محسوب می‌شوند. نمودار ۵ نشان می‌دهد که کشور هند در مقایسه با سایر کشورها و در همه مقاطع مورد بررسی بالاترین درصد پیش‌رسی ازدواج را دارا بوده و از این نظر همواره در رتبه اول قرار داشته است. در سال ۱۹۷۰، کشور ایران نیز بعد از کشور هند در رتبه دوم این شاخص قرار داشته است؛ اما نکته جالب اینکه در این سال پیش‌رسی ازدواج مردان هندی ۴ برابر پیش‌رسی مردان ایرانی بوده است (۱۷/۷ درصد در مقابل ۴/۴ درصد). این نمودار به خوبی نشان می‌دهد که طی ۴۰ سال اخیر، پیش‌رسی ازدواج مردان ژاپنی حتی از رقم ۱ درصد نیز تجاوز نکرده و در بالاترین حد خود در سال ۱۹۷۰، ۰/۷ درصد بوده است.

نمودار ۵: روند تغییرات شاخص پیش‌رسی ازدواج مردان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۰\*



\* شاخص پیش‌رسی ازدواج مردان در کشورهای منتخب، به طور دقیق به این سال‌ها مربوط می‌شود: آذربایجان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰)؛ ایران (۱۹۶۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱)؛ چین (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ ژاپن (۱۹۷۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶). منبع: سازمان ملل ۲۰۰۹.

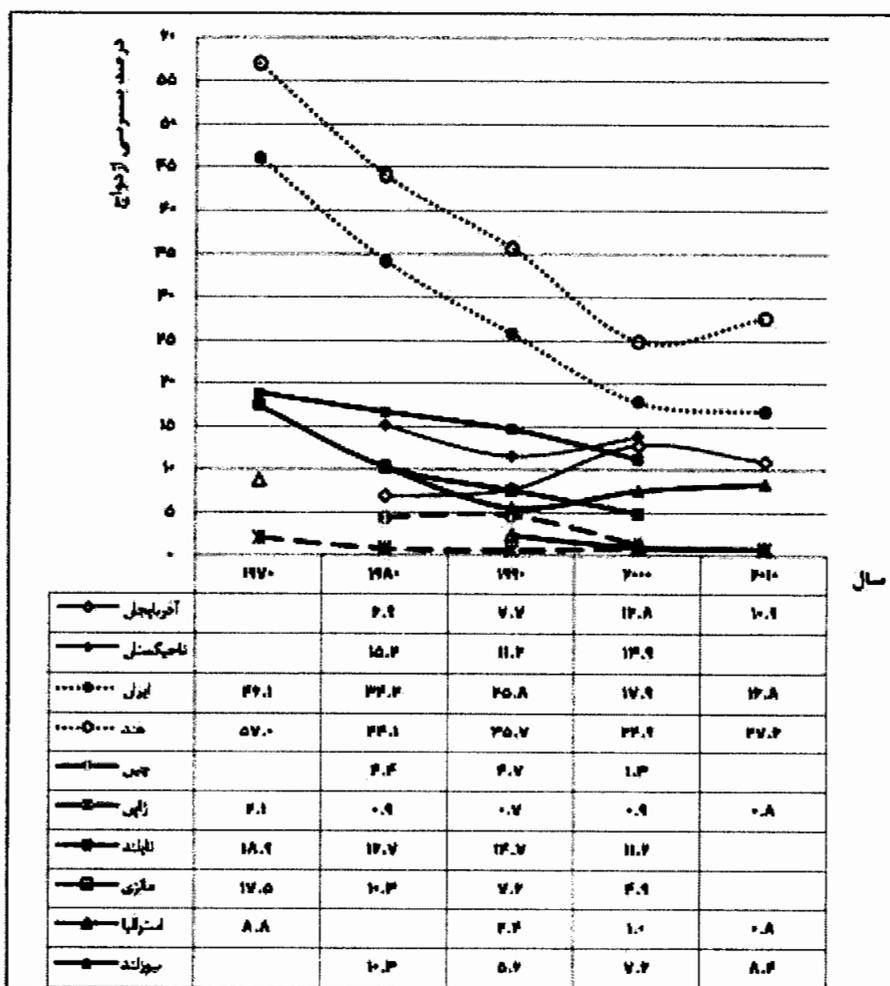
نمودار ۶ نیز بیان‌کننده چگونگی تغییرات شاخص پیش‌رسی ازدواج زنان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه طی سال‌های ۲۰۱۰ - ۱۹۷۰ می‌باشد. اولین موردی که در این نمودار جلب توجه می‌کند، تغییرات مربوط به پیش‌رسی ازدواج زنان در کشورهای هند و ایران است. در سال ۱۹۷۰، ۵۷ درصد زنان ۱۹-۱۵ ساله کشور هند و ۴۶/۱ درصد زنان ۱۹-۱۵ ساله کشور ایران ازدواج کرده بودند که این وضعیت، کشور هند و ایران را در میان سایر کشورهای این مطالعه در جایگاه خاصی قرار داده است. پیش‌رسی ازدواج زنان این دو کشور در طول چهار دهه مورد بررسی، روند کاهشی نسبتاً مشابهی را طی نموده و در نهایت، در سال ۲۰۱۰، برای هند به ۲۷/۶ درصد و برای ایران به ۱۶/۸ کاهش یافته است.

در سال ۱۹۷۰ پیش‌رسی ازدواج زنان در کشور ژاپن فقط ۲/۱ درصد بوده است و از این سال به بعد، این کشور شاهد پیش‌رسی ازدواج بیشتر از ۰/۹ درصد برای زنان نبوده است. البته زنان کشورهای استرالیا و چین نیز با کاهش درصد پیش‌رسی ازدواج خود، در سال ۲۰۰۰ میلادی تقریباً به جایگاه زنان کشور ژاپن رسیده‌اند. نمودار ۶ نشان می‌دهد که طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰، به جز کشورهای هند و ایران، سایر کشورهای منتخب، درصد پیش‌رسی ازدواج زنانشان در حد کمتر از ۲۰ درصد در نوسان بوده است. در این میان، کشورهای مالزی، تایلند و استرالیا فقط روند کاهشی داشته‌اند و کشورهای چین، نیوزلند، آذربایجان و تاجیکستان روندی همراه با افت و خیز را تجربه نموده‌اند.

روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در منتخبی از کشورهای آسیا و اقیانوسیه...

نمودار ۶: روند تغییرات شاخص پیش‌رسی ازدواج زنان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه

طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰\*



\* شاخص پیش‌رسی ازدواج زنان در کشورهای منتخب، به طور دقیق به این سال‌ها مربوط می‌شود: آذربایجان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰)؛ ایران (۱۹۶۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵)؛ چین (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ ژاپن (۱۹۷۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶). منبع: سازمان ملل ۲۰۰۹.

مقایسه شاخص پیش‌رسی ازدواج زنان و مردان در نمودارهای ۵ و ۶ نشان می‌دهد که در همه کشورهای مورد بررسی و در تمامی مقاطع زمانی، درصد پیش‌رسی ازدواج زنان بیشتر از مردان بوده و حتی در برخی موارد این وضعیت بسیار قابل توجه بوده است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۰، پیش‌رسی ازدواج در زنان ایرانی حدوداً ۱۰ برابر پیش‌رسی ازدواج در مردان ایرانی بوده است. در صورتی که در این دو نمودار، روند تغییرات پیش‌رسی ازدواج زنان هر کشور را با روند تغییرات پیش‌رسی ازدواج مردان همان کشور تطبیق دهیم، متوجه می‌شویم که در اکثر موارد، این روند تغییرات شباهت زیادی به یکدیگر دارد و این نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر تغییرات پیش‌رسی ازدواج در هر کشور، تقریباً در هر دو جنس به یک شکل عمل نموده است.

#### روند تغییرات درصد تجرد قطعی<sup>۱</sup> در کشورهای منتخب

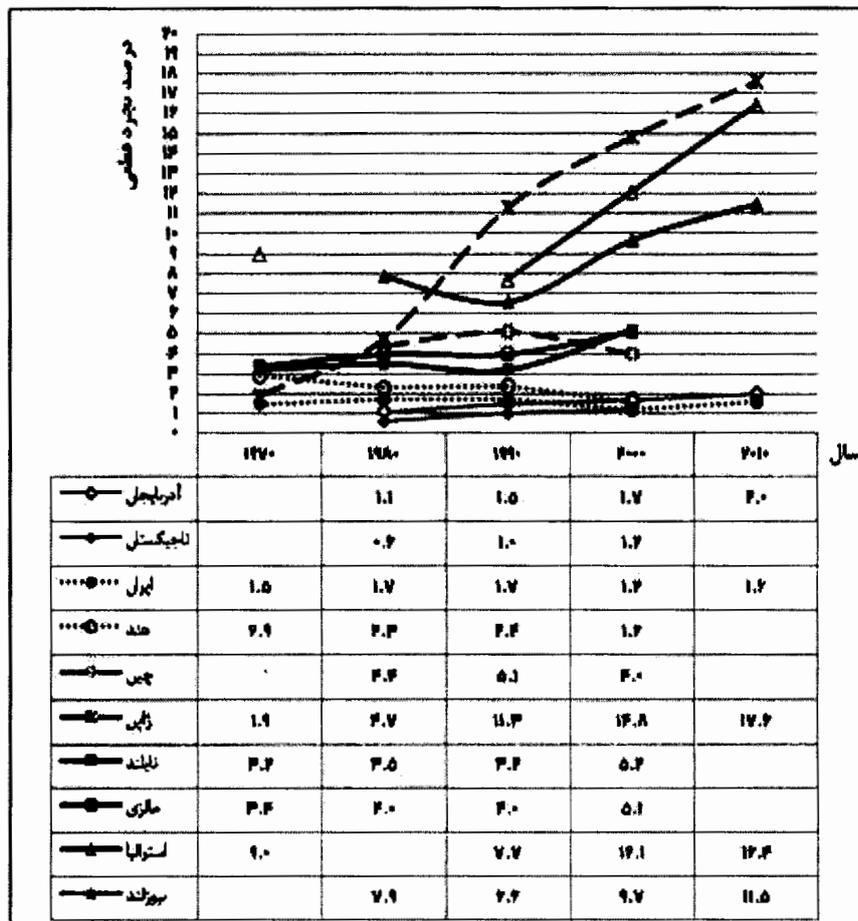
در سال ۱۹۷۰ در بین کشورهای مورد بررسی که اطلاعات آنها در دسترس بود، به نظر می‌رسد که ایران و ژاپن دو کشوری بودند که بیشترین عمومیت ازدواج در مردان را دارا بودند. به طوری که درصد تجرد قطعی در ایران فقط ۱/۵ درصد و در ژاپن فقط ۱/۹ درصد بوده است. در همان سال استرالیا با ۹ درصد، بیشترین تجرد قطعی در مردان را داشته است. با گذشت ۲۰ سال (سال ۱۹۹۰)، میزان تجرد قطعی برخی کشورها به طور فاحشی تغییر پیدا کرده؛ در حالی که در برخی دیگر، تغییرات قابل توجهی رخ نداده است. در این سال (۱۹۹۰)، تجرد قطعی مردان کشور ژاپن به ۱۱/۳ درصد رسیده است اما کشورهای تاجیکستان، آذربایجان و ایران کمترین تجرد قطعی را در مردان دارا بوده‌اند (به ترتیب ۱ درصد، ۱/۵ درصد و ۱/۷ درصد). در اغلب کشورها، بیشترین شتاب تغییرات تجرد قطعی مردان از سال ۱۹۹۰ به بعد رخ داده است. بیشترین تغییر رو به افزایش در کشورهای ژاپن، استرالیا و نیوزلند رخ داده است در حالی که سایر کشورها مقاومت بیشتری به افزایش تجرد قطعی نشان داده‌اند؛ حتی در کشور هند کاهش تجرد قطعی از ۲/۹ درصد به ۱/۶ درصد بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ مشاهده می‌شود. کشور چین نیز از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۰، ۰/۴ درصد کاهش را در این شاخص تجربه نموده است (از ۴/۴ درصد به ۴ درصد).

۱. در این مطالعه، گروه سنی ۴۴-۴۰ سال برای زنان و ۴۹-۴۵ سال برای مردان به عنوان سن تجرد قطعی در نظر گرفته شده است.

روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در منتخبی از کشورهای آسیا و اقیانوسیه...

نمودار ۷: روند تغییرات درصد تجرد قطعی مردان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه

طی سال‌های ۲۰۱۰ - ۱۹۷۰\*



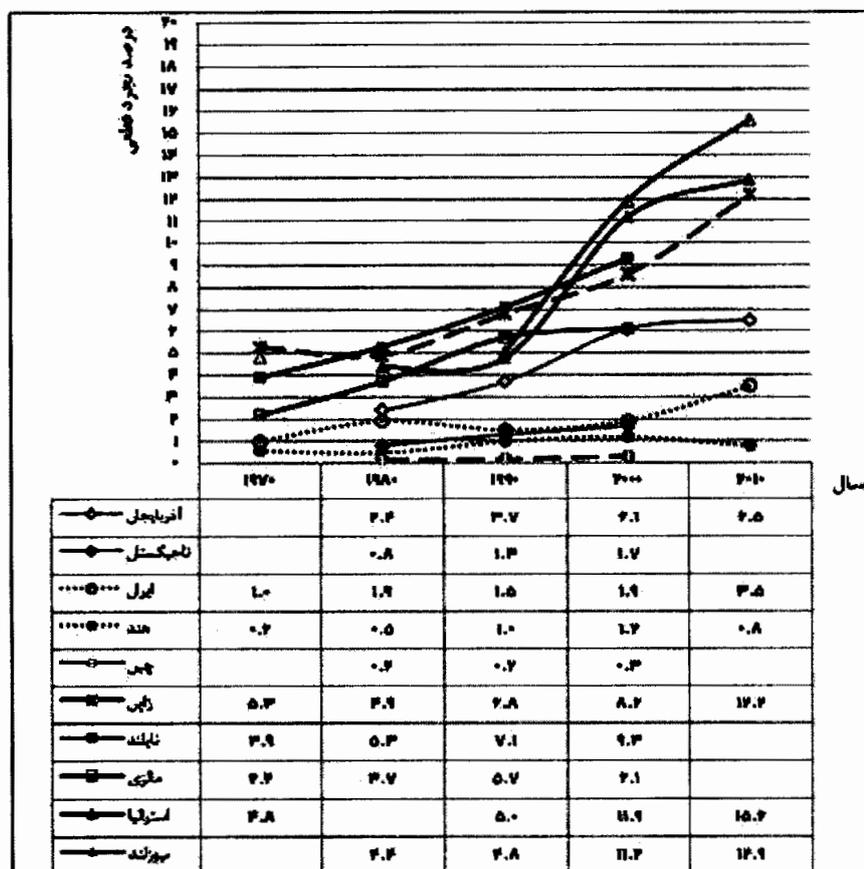
\* شاخص درصد تجرد قطعی مردان در کشورهای منتخب، به طور دقیق به این سال‌ها مربوط می‌شود: آذربایجان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰)؛ ایران (۱۹۶۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱)؛ چین (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ ژاپن (۱۹۷۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶). منبع: سازمان ملل ۲۰۰۹.

از نظر روند تغییرات درصد تجرد قطعی زنان، کشورهای منتخب مورد بررسی را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: گروه اول، کشورهایی که شاهد شتاب فزاینده در تجرد قطعی زنان بوده‌اند شامل استرالیا و ژاپن؛ گروه دوم، کشورهایی که از نظر شاخص مذکور نوسان و

افزایش را آغاز کرده‌اند؛ مانند مالزی و تایلند و گروه سوم کشورهای هستند که هیچ‌گونه افزایشی را در مجرد قطعی تجربه نکرده‌اند؛ مانند هند، تاجیکستان، آذربایجان و چین.

نمودار ۸: روند تغییرات درصد مجرد قطعی زنان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه طی

سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۰\*



\* شاخص درصد مجرد قطعی زنان در کشورهای منتخب، به طور دقیق به این سال‌ها مربوط می‌شود: آذربایجان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶)؛ تاجیکستان (۱۹۷۹، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰)؛ ایران (۱۹۶۶، ۱۹۸۶، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶)؛ هند (۱۹۷۱، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵)؛ چین (۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ ژاپن (۱۹۷۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵)؛ تایلند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)؛ مالزی (۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰)؛ استرالیا (۱۹۷۱، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)؛ نیوزلند (۱۹۷۶، ۱۹۸۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶). منبع: سازمان ملل ۲۰۰۹.

در گروه اول و در سال ۲۰۱۰، زنان کشورهای استرالیا، نیوزلند و ژاپن به ترتیب با دارا بودن ۱۵/۶، ۱۲/۹ و ۱۲/۲ درصد زن ازدواج نکرده در گروه سنی ۴۴-۴۰ سال در جایگاه اول تا سوم قرار دارند. هر چند رقم مربوط به کشور تایلند در سال ۲۰۱۰ در دسترس نیست اما به نظر می‌رسد که این کشور نیز با ادامه روند صعودی خود در این شاخص، در کنار سه کشور استرالیا، نیوزلند و ژاپن قرار گرفته باشد. در میان کشورهای گروه دوم، کشور چین دارای پایین‌ترین درصد مجرد قطعی می‌باشد. درصد مجرد قطعی زنان این کشور طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۰ (سال‌هایی که رقم این شاخص موجود بوده است) از ۰/۳ درصد هم تجاوز نکرده است. البته کشور هند نیز بعد از اندکی افزایش در این شاخص، در سال ۲۰۱۰ مجدداً به رقم زیر یک برگشته و در حد بسیار پایینی قرار گرفته است. کشور ایران در مقایسه با سایر کشورهای این مطالعه، دارای درصد مجرد قطعی پایینی برای زنان بوده است اما از سال ۲۰۰۰ به بعد، روند افزایشی نسبتاً قابل توجهی را در پیش گرفته است. مجرد قطعی زنان ژاپنی خیلی کمتر از مردان ژاپنی است در حالیکه در مردان استرالیایی، مجرد قطعی کمی کمتر از زنان استرالیایی است.

مقایسه نمودارهای ۷ و ۸ نشان می‌دهد که در کشورهای تاجیکستان، ایران، هند، ژاپن، استرالیا و نیوزلند، مجرد قطعی مردان و زنان از روند نسبتاً مشابهی برخوردار بوده اما این شباهت در کشورهای آذربایجان، چین، تایلند و مالزی مشاهده نمی‌شود. در کشور ایران، علی‌رغم اینکه میزان مجرد قطعی از رقم بالایی برخوردار نیست ولی روند افزایشی آن مشهود بوده، بخصوص پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، با ۱/۶ درصد افزایش، این میزان به ۳/۵ درصد می‌رسد.

### بحث و نتیجه‌گیری

این بررسی، با هدف ارزیابی تصویر کلی از تغییرات شاخص‌های ازدواج در طی زمان در برخی کشورهای آسیا و اقیانوسیه نشان داد که علی‌رغم روند رو به رشد میانگین سن ازدواج در زنان و مردان در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه، تداوم، سرعت و شتاب تغییرات فوق متفاوت و ناهمگون است. حتی تفاوت‌های مهمی بین بعضی شاخص‌های کشورهای واقع در یک منطقه دیده می‌شود (مانند چین و ژاپن از منطقه شرق و شمال شرق آسیا). همچنین،

تفاوت‌های جنسیتی مشخصی در روندهای شاخص‌های ازدواج طی چهار دهه گذشته، در برخی کشورها دیده می‌شود. به عنوان مثال میانگین سن ازدواج در زنان بیشتر از مردان افزایش یافته است که این امر بخصوص در ایران مشهود است.

برآیند تغییرات سن ازدواج از ۴ دهه قبل تاکنون نشان داد که همه کشورهای منتخب منطقه، روند افزایشی سن ازدواج را تجربه کرده‌اند اما شیب و میزان این افزایش متفاوت بوده است. به طوری که کشور استرالیا از منطقه اقیانوسیه و کشور ژاپن از منطقه شمال شرق آسیا، بیشترین شیب یا تندی افزایش را تجربه کرده‌اند. در حالی که این شیب در سایر کشورها ملایم‌تر می‌باشد. بخصوص میانگین سن ازدواج در مبدأ زمانی یعنی ۴ دهه گذشته در برخی کشورها بسیار کمتر از کشورهای دیگر است. به طوری که در کشور هند، میانگین سن ازدواج به طور قابل توجهی کمتر از سایر کشورها به خصوص کشور استرالیا، ژاپن و مالزی است.

یکی از مشخصه‌های روند سن ازدواج در ایران، کاهش سن ازدواج مردان در دهه ۸۰ میلادی و همچنین کاهش شیب افزایشی سن ازدواج در زنان در همان دهه در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از آن است. پس از انقلاب اسلامی در ۱۹۷۸ میلادی، معیارهای همسرگزینی دچار تحول گردیده و فرهنگ ساده زیستی ترویج گردید که از نتایج آن کاهش سن ازدواج در مردان و کندی روند افزایشی سن ازدواج در زنان است؛ بطوریکه در صورت عدم وقوع انقلاب و تداوم توسعه شهرنشینی و اشاعه تحصیلات، متوسط سن ازدواج زنان در سال ۱۹۸۶ احتمالاً به ۲۱ سال می‌رسید (کاظمی پور ۱۳۸۳).

طی ۴ دهه گذشته، تفاوت میانگین سن ازدواج مردان و زنان در ۶ کشور روند کاهشی، در ۳ کشور روند افزایشی و در ۱ کشور یکسان بوده است. نتایج این مطالعه بیانگر تغییرات بیشتر در سن ازدواج زنان در بیشتر کشورها نسبت به سن ازدواج مردان است که این امر می‌تواند به علت توسعه تحصیلات، اشتغال در بین زنان و همچنین تغییر باورها به سوی تساوی جنسیتی در جوامع آسیایی و اقیانوسیه باشد.

پیش‌رسی ازدواج تقریباً در همه کشورها سیر نزولی داشته (نمودار ۴ و ۵) و بیشترین کاهش را کشورهای هند و ایران تجربه کرده‌اند. چرا که بیشترین میزان پیش‌رسی ازدواج در ۴ دهه قبل را داشته‌اند. علی‌رغم این روند کاهشی، حتی در سال ۲۰۰۰، میزان پیش‌رسی ازدواج در زنان و مردان در کشورهای هند و ایران بیشتر از سایر کشورهای مورد مطالعه در این بررسی

می‌باشد که زمینه‌های فرهنگی، سنتی و مذهبی مربوط به ازدواج می‌تواند میزان‌های فوق را توضیح دهد.

به نظر می‌رسد که تنها چند کشور مورد بررسی مانند استرالیا، ژاپن و نیوزلند افزایش فاحشی را در مجرد قطعی تجربه کرده‌اند؛ در حالی که این رقم در سایر کشورها در سطح پایین‌تری باقی مانده و علی‌رغم روند افزایشی، مقاومت قابل ملاحظه‌ای در شتاب آن ملاحظه می‌گردد. به نظر می‌رسد شیوع مجرد قطعی ارتباط مستقیم با تغییرات میانگین سن ازدواج در برخی کشورها دارد. در کشورهایی که شیوع مجرد قطعی به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است، افزایش چشمگیر سن ازدواج داشته‌اند. همچنین نقش سایر جایگزین‌های ازدواج در برخی جوامع را نباید نادیده گرفت، بطوریکه در یازده کشور اروپایی، همبستگی نیز مانند ازدواج، قانونی بوده و با قوانین مجزایی و متفاوت با ازدواج، ثبت می‌شوند (مانند هلند، نروژ، دانمارک، بلژیک و...)، اما در سایر کشورها، شریک‌های همباش، که برای مدت مشخصی با هم زندگی کرده‌اند، همان تعهداتی را که زوجین ازدواج کرده و یا همباش‌های ثبت شده دارا هستند، خواهند داشت. بطور مثال در دو کشور استرالیا و نیوزلند، به ترتیب زندگی مشترک ۶ ماه و ۳ سال همانند ازدواج تلقی شده و شرایطی مشابه ازدواج را برای آنها در نظر می‌گیرند. در سال ۲۰۰۶، در استرالیا حدود ۹ درصد افراد بالای ۲۰ سال به‌صورت همباش زندگی می‌کرده‌اند (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup> ۲۰۱۱). در حالی که در کشور ژاپن، در سال ۲۰۰۳، فقط ۲ درصد همباشی در بین افراد ۱۸ تا ۴۵ ساله گزارش شده است. این تفاوت در سبک‌های شریک‌گزینی و شباهت در روندهای سن ازدواج بین دو کشور ژاپن و استرالیا، قابل بحث و کنکاش است. به هر حال به نظر می‌رسد مسئول افزایش سن ازدواج در جوامع مختلف، به متغیرهای مختلف اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد.

با بررسی روند تغییرات شاخص‌های مختلف ازدواج در بین کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه طی ۴ دهه گذشته می‌توان سه الگو در سطح منطقه ترسیم نمود. الگوی اول معرف کشورهایی است که تغییرات سریع، شتابزده و قابل توجهی را هم در میانگین سن ازدواج و هم در میزان مجرد قطعی تجربه نموده‌اند، مانند کشورهای ژاپن و استرالیا در شمال و شمال

1. OECD (Organization for Economic Co-operation and Development)

شرق آسیا و اقیانوسیه. الگوی دوم، معرف کشورهای است که تغییرات افزایشی و گاه کاهش‌ی را در میانگین سن ازدواج تجربه کرده و علایمی از افزایش مجرد قطعی را نیز نشان می‌دهند، مانند ایران، تایلد و مالزی و نیوزلند. الگوی سوم، معرف کشورهایی است که تغییرات میانگین سن ازدواج و مجرد قطعی در آنها بسیار ناچیز می‌باشد و مقاومت زیادی نسبت به افزایش در این دو شاخص دیده می‌شود، مانند چین، هند و تاجیکستان. علی‌رغم اینکه بسیاری از عوامل نوسازی مانند روند رو به افزایش تحصیلات در بین زنان آسیایی، شیوع اشتغال و باروری کم که مشابه کشورهای صنعتی و توسعه یافته می‌باشد اما هنوز برخی از جنبه‌های زندگی در آسیا کاملاً متفاوت با ساختار خانواده و ازدواج در غرب و کشورهای توسعه یافته صنعتی می‌باشد. به عنوان نمونه، مجرد قطعی هنوز پذیرش زیادی در بسیاری از جوامع آسیایی ندارد بخصوص برای دختران. زندگی با جنس مخالف خارج از ازدواج به شکل همباشی که در کشورهای غربی معمول است، در آسیا معمول نمی‌باشد و به ازدواج بیشتر به عنوان یک قرارداد دائم نگاه می‌شود. گرچه میزان طلاق رو به رشد است اما هنوز در بسیاری از کشورها طلاق رقم پایینی دارد. همچنین باروری خارج ازدواج بسیار نادر است.

به نظر می‌رسد عوامل ارزشی و فرهنگی کشورها، در پذیرش سایر جایگزین‌های ازدواج مانند همباشی و معاشرت‌های قبل از ازدواج و همچنین در افزایش مجرد قطعی نقش مهمی دارد. در کشورهایی مانند ایران، هند، تاجیکستان و چین که ازدواج از ارزش سنتی و فرهنگی خاصی برخوردار است و عمومیت ازدواج به طور سنتی بالا می‌باشد، مجرد قطعی روند افزایشی بطئی داشته و به نظر می‌رسد جامعه در خصوص این پدیده از خود مقاومت نشان می‌دهد. این امر نیاز به بررسی فرهنگی ارزش ازدواج برای افراد در جوامع مختلف دارد. به نظر می‌رسد تغییرات ارزشی بخصوص در کشورهای هند، چین، ایران و تاجیکستان به سختی و یا کندتر اتفاق می‌افتد.

در نظر گرفتن تفاوت‌های کشوری حتی در یک منطقه، در پیش‌بینی آینده خانواده و ازدواج در جوامع مختلف کمک می‌کند و بیانگر این نکته است که تفاوت‌های فاحشی بین کشورهای مختلف یک منطقه وجود دارد که همگون بودن منطقه را از نظر تغییرات الگوی ازدواج به چالش می‌کشد و هرگونه نتیجه‌گیری مبنی بر تغییرات یکسان و با شتاب هماهنگ و جهت یکسان در کشورهای مختلف یک منطقه را بی‌اعتبار می‌سازد.

شناخت روند تغییرات سن ازدواج از این جهت اهمیت دارد که بر دو روند دیگر تأثیر می‌گذارد. ۱. روند باروری، ۲. ناملايمات اجتماعی - اقتصادی نسل جوان. به طوری که الگوی رو به افزایش مجرد قطعی می‌تواند منعکس کننده مسایل اجتماعی - اقتصادی در نسل جوان کشورهای مختلف آسیا باشد و تغییرات در نقش‌های سنتی جوانان را نشان دهد. اگر دیگر کشورهای آسیایی که هنوز میانگین سن ازدواج آنها از ۲۶ سال بالاتر نرفته، روند کشورهای دیگر مانند ژاپن و استرالیا را در پیش بگیرند، در منطقه شاهد تغییرات مهمی در باروری و روابط اجتماعی خواهیم بود. شناخت تفاوت‌های بین کشوری و بین دو جنس می‌تواند نشانگر روندهای متفاوت در رشد و توسعه انسانی و اقتصادی باشد که آنها تجربه می‌کنند. این اطلاعات می‌تواند برای سیاست‌گذاران با ارزش باشد (گرین اسپن ۱۹۹۲). به خصوص در بیشتر کشورهای آسیایی، نه اقیانوسیه، که ازدواج به طور مهمی شروع باروری را پیش‌بینی می‌کند (کالدول و کالدول ۱۹۹۷)، تغییرات چشمگیر در سن ازدواج، می‌تواند موجب تغییرات مهمی در باروری گردد. شاید یک تفاوت عمده برخی کشورهای آسیایی با کشور استرالیا همین باشد که در آن کشورها، باروری تنها در چارچوب ازدواج اتفاق می‌افتد.

به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه تفاوت‌های دیده شده در شاخص‌های ازدواج و روند تغییرات آن می‌تواند متأثر از تفاوت‌ها در میزان توسعه یافتگی اقتصادی و انسانی کشورها باشد، تنوع و تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح منطقه نیز می‌تواند قسمت مهمی از تفاوت‌های فوق را توضیح دهد. چنانچه اهمیت عوامل قومی، ارزشی و فرهنگی مربوط به ازدواج در برخی جوامع آسیایی همچنان بالا است. لذا به سختی می‌توان پیش‌بینی کرد که توسعه یافتگی در کشورهایی که ازدواج و تشکیل خانواده در آنها هنوز از نظر فرهنگی یک ارزش محسوب می‌شود با همان شتاب و سرعت موجب افزایش سن ازدواج در جوامع گردد. در مورد کشور ایران نیز، به علت اهمیت فرهنگی و مذهبی ازدواج، حتی درجات زیادی از توسعه یافتگی، ممکن است به سختی موجب شتاب افزایشی در سن ازدواج مانند کشورهای استرالیا و ژاپن گردد.

منابع

- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۳). *مبانی جمعیت‌شناسی*، چاپ هفتم، تبریز: نشر جامعه‌پژوه و نشر دانیال
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). "قومیت و الگوهای ازدواج در ایران"، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۳، (۱)، صص: ۲۵-۴۷.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). "تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن"، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۳، (۲)، صص: ۱۰۳-۱۲۴.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸). *مبانی جمعیت‌شناسی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کاظمی‌پور، شهلا، محمود مشفق و علی رحیمی (۱۳۹۱). "تحلیل الگوهای سالمندی در کشورهای مختلف جهان با استفاده از مدل تئوریک نظام ارزشی اینگلهارت"، مقاله رایج شده در ششمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۷ و ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۹۱.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۵). "پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱، (۱)، صص: ۱۰۴-۱۲۶.
- کوشی، مجید (۱۳۸۵). "اریب میانگین سال‌های مجرد در برآورد میانگین سن ازدواج (تجربه‌ای از مطالعه ازدواج زنان ایرانی)". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲، (۱)، صص: ۱۱۱-۱۳۵.
- میرزایی، محمد (۱۳۸۶). *گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Addai, I. and F. Trovato (1999). "Structural assimilation and ethnic fertility in Ghana." *Journal of Comparative Family Studies* 30(3): 409-427.
- Arnaldo, C. (2002). "Ethnicity and Marriage patterns in Mozambique." *African Population Studies Journal* 9(1): 143-164.
- Bartz, K. W. and F. I. Nye (1970). "Early Marriage: A Prepositional Formulation." *Marriage and the Family Journal* 32(2): 258-268.
- Becker, G. S. (1974). "A Theory of Social Interactions." *Journal of Political Economy* 82(6): 1063-1093
- Caldwell, J. C. and B. K. Caldwell (1997). "Asia's Demographic Transition." *Asian Development Review* 15(1): 52-87.
- Caldwell, B. K. (2005). "Factors affecting female age at marriage in South Asia-Contrasts between Sri Lanka and Bangladesh." *Asian Population Studies* 3 (1): 283-301.

- Casterline, J. B. (1994). "Fertility transition in Asia," In T. Loco and V. Hertrich (Eds.), *The Onset of Fertility Transition in Sub-Saharan Africa* (pp. 69-86). Liège, Belgium: Derouaux Ordina Editions.
- Coale, A. J. and S. C. Watkins, (eds.), (1986). *The Decline of Fertility in Europe*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Department of Statistics, Malaysia (2011). Online Available at: <http://www.statistics.gov.my/portal/index.php?lang=en>.
- Espenshad, T. J. (1985). "Marriage Trends in America: Estimates, Implications and Underlying Causes." *Population and Development Review* 11(2): 193-244.
- Good, W. J. (1963). *World Revolution and Family Pattern*, New York: Free Press.
- Good, W. J. (1974). "Comment: The Economic of Non Monetary Variables," In T. W. Schults (eds.), *Economics of the Family: Marriage, Children and Human Capital*. The University Of Chicago Press, Chicago.
- Greenspan, A. (1992). "Age at Marriage Is Rising for Asian Women and Men, According to New Data." *Asia Pacific Population Policy* 22.
- Islam, M. M. and M. Mahmud (1996). "Marriage Patterns and Some Issues Related to Adolescent Marriage in Bangladesh." *Asia-Pacific Population Journal* 11: 27-42.
- Islam, M. N. and A. U. Ahmed (1998). "Age at First Marriage and its Determinants in Bangladesh (Demographers' Notebook)." *Asia-Pacific Population Journal* 13 (2).
- Jones, G. W. (2007). "Delayed Marriage and Very Low Fertility in Pacific Asia." *Population And Development Review* 33(3): 453-478.
- Jones, G. W. (2010). "Changing Marriage Patterns in Asia." Working Paper Series No.131, Asia Research Institute (ARI), National University of Singapore (NUS), Singapore.
- Lesthaeghe, R. (1983). "A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: An exploration of underlying dimensions." *Population and Development Review* 9(3): 411-436.
- Lesthaeghe, R. (1998). "On Theory Development: Applications to the Study of Family Formation." *Population and Development Review* 24 (1): 1-14.
- Malhotra, A. (1997). "Gender and the Timing of Marriage: Rural-Urban Differences in Java." *Journal of Marriage and the Family* 59(2): 434-450.
- Mensch, B. S., S. Singh and J. B. Casterline (2005). "Trends in the Timing of First Marriage among Men and Women in the Developing World." Population Council No. 202.
- Nguyen, H. M. (1997), "Age at First Marriage in Viet Nam: Patterns and Determinants." *Asia-Pacific Population Journal*, 2(12): 49-74.
- OECD (2011). OECD Family Database, OECD, Paris, online Available at: [www.oecd.org/social/familydatabase](http://www.oecd.org/social/familydatabase).
- Palmore, J. A. and M. Singarimbun (1992). "The conflicting effects of delayed marriage and declining divorce rates on cumulative fertility in Indonesia." *Asia and Pacific Population forum* 6(1): 5-14, 25-6.
- Rosero-Bixby, L. (1996). "Nuptiality trends and fertility transition in Latin America," In J. M. Guzman, S. Singh, G. Rodriguez, and E. A. Pantelides (Eds.), *The fertility transition in Latin America*, Oxford, England: Clarendon Press. pp. 135-150.
- Savitridina, R. (1997). "Determinants and Consequences of Early Marriage in Java, Indonesia." *Asia-Pacific Population Journal*, 12(2): 25-48.
- Shabozov, M. (2010). "Women and Men in the Republic of Tajikistan." State Statistics Committee of the Republic of Tajikistan, P.58.
- Singh, S. and R. Samara (1996). "Early Marriage among Women in Developing Countries." *International Family Planning Perspective* 22:148-157&175.
- Smith, P. C. (1980). "Asian marriage pattern in transition." *Journal of Family History* 5(1): 58-96.

- Sorenson, A. M. (1985). "Fertility expectations and ethnic identity among Mexican-American adolescents: An expression of cultural ideals." *Sociological Perspectives* 28(3): 339-360.
- The World Bank (2010). online Available at: <http://www.worldbank.org/>.
- United Nations (2009). World marriage data 2008 (pop/db/marr/rev2008). Department of Economic and Social Affairs, Population Division Retrieved July 24, 2012, online Available at: [http://www.un.org/esa/population/publications/WMD2008/WP\\_WMD\\_2008/Data.html](http://www.un.org/esa/population/publications/WMD2008/WP_WMD_2008/Data.html).
- United Nations (2010). Population Division of the Department of Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat, World Population Prospects: The 2010 Revision, online Available at: <http://esa.un.org/unpd/wpp/index.htm>.
- United Nations Development Program (UNDP) (2010). Human Development Report 2010, 20th Anniversary Edition.
- Wikipedia (2012). Age at first marriage, year 2010 (India), online Available at: [http://en.wikipedia.org/wiki/Age\\_at\\_first\\_marriage](http://en.wikipedia.org/wiki/Age_at_first_marriage).
- Xenos, P. and S. A. Gultiano (1992). "Trend in Female and Male Age at Marriage and Celibacy in Asia." Paper of The Program on Population, No. 120, East-West Center Honolulu Hawaii.